

## بررسی دیدگاه اتصال قیامت به حکومت مهدی موعود علیه السلام از نگاه فریقین

خدا مراد سلیمیان<sup>۱</sup>

محمد کرمی نیا<sup>۲</sup>

رضا آجاق<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۵

### چکیده

بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین مباحث در معارف مهدوی، بررسی چگونگی جهان پس از حکومت مهدی موعود علیه السلام است. روایات گوناگونی در منابع روایی مسلمانان در باره چگونگی جهان پس از رحلت مهدی موعود علیه السلام در دست است که سبب شده دیدگاه‌های گوناگونی در این باره شکل گیرد. «طولانی شدن و پیوست حکومت حضرت به قیامت» یکی از گونه‌هایی است که ریشه در دسته‌ای از روایات داشته و کمابیش باورمندانی را پیدا کرده است. فراوانی و گوناگونی روایات از سویی و نبود پژوهش فراگیر از سوی دیگر، در این حوزه از مباحث آینده پژوهی دینی، سبب شده تا برخی، این روایات را دستمایه اهداف خود قرار داده و تبیین‌های نادرستی در این زمینه ارائه دهند. هدف اصلی مقاله پیش رو بررسی تطبیقی نظریه طولانی شدن و اتصال حکومت مهدی موعود علیه السلام به قیامت در منظومه روایی شیعه و اهل سنت است تا روشن شود از نگاه اسلام به عنوان آخرین دین الهی، پس از منجی، جهان با چه سرنوشتی روبرو خواهد شد. در این نوشتار، به تبیین و بررسی روایات ادعایی خواهیم پرداخت.

### واژگان کلیدی

مهدی موعود علیه السلام، طولانی شدن حکومت، قیامت، شیعه، اهل سنت.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimiam@isca.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران (نویسنده مسئول) (karaminia.mohammad@yahoo.com).

۳. محقق و پژوهشگر حوزوی سطح دو و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران.

## مقدمه

در درازای تاریخ هر اندازه مسائل برجسته، ناشناخته‌تر بوده، مدعیان دروغین، مجال بیشتری برای ادعای خود یافته‌اند. در مسئله مهدویت نیز همواره مدعیان دروغینی که خود را مهدی موعود عجل الله فرجه معرفی کرده‌اند، از صدر اسلام تا کنون وجود داشته‌اند، اما در دوران کنونی این ادعا به سبب روشنگری علمای دین و آگاهی بیشتر مردم نسبت به خصوصیات حضرت و ظهور ایشان، تا حدودی رنگ باخته است و کمتر از پیش خریدار دارد. از این رو برخی مدعیان دروغین، به سمت موضوعاتی در حوزه مهدویت رفته‌اند که ابهام بیشتری دارد و کمتر به آنها پرداخته شده است تا در سایه این ابهام، باورمندان بیشتری بیابند.

پیرامون پیشینه پژوهش تحقیق پیش‌رو، مقاله «جهان پس از امام مهدی عجل الله فرجه از دیدگاه روایات» تألیف محمدکاظم رحمان‌ستایش و منیره قضاوی موجود می‌باشد که در آن نویسندگان محترم با مطرح کردن سه نظریه «رجعت معصومین»، «جانشینی اولیای صالح» و «برپا شدن قیامت با پایان یافتن زندگی امام مهدی عجل الله فرجه»، آنها را مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌اند. همچنین مقاله «بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی عجل الله فرجه از منظر شیعه» تألیف محمد شهبازیان و عزالدین رضانژاد نیز موجود است که وجه اهمیت این مقاله از دیدگاه نویسندگان محترم در این است که گروهی از جریان‌های انحرافی در فضای مهدویت با تمسک به نظریه مهدیون تلاش نموده‌اند تا دیدگاه خود را اثبات کنند و رجعت ائمه عجل الله فرجه و مؤمنان و کافران محض را در دوران پس از ظهور منکر شوند. در همین راستا بر اساس روایات شیعه به اثبات دیدگاه رجعت ائمه عجل الله فرجه و حکومت ایشان پرداخته و از استدلال برخی از جریان‌های مدعی را باطل می‌نماید.

وجه تمایز مقاله پیش‌رو با سایر مقالات نوشته شده در این است که این تحقیق با رویکرد مطالعه تطبیعی میان اندیشه‌های شیعه و اهل سنت به بررسی نظریه طولانی شدن و اتصال حکومت مهدی موعود عجل الله فرجه به قیامت می‌پردازد تا برای همگان (چه شیعه مذهب و چه سنی مذهب) روشن و نمایان شود که از نگاه اسلام به عنوان دین اکمل، پس از منجی، جهان با چه سرنوشتی روبرو خواهد شد.

بنابراین یکی از بهترین راه‌ها، پژوهش در خصوص بعد از ظهور (و نه زمان ظهور) است که مقاله پیش‌رو وظیفه انجام این موضوع را بر عهده خواهد داشت.

## دیدگاه علماء و باورمندان شیعی در باره این نظریه

گروهی از دانشمندان و باورمندان شیعی در باره زمان قیامت بر این باورند که پس از وفات حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیامت بدون فاصله زمانی و یا با فاصله چهل روزه رخ می‌دهد. برجسته‌ترین فردی که برای نخستین بار این دیدگاه را به عنوان یک باور در آثار خود مطرح نموده، شیخ مفید است. وی در باره سرنوشت جهان پس از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نویسد:

و ليس بعدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ لِأَحَدٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ مِنْ قِيَامِ وَلَدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ ،  
و لم تَرُدْ بِهِ عَلَى الْقَطْعِ وَالثَّبَاتِ ، وَأَكْثَرُ الرَّوَايَاتِ أَنَّهُ لَنْ يَمُضِيَ .مَهْدَى هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا قَبْلَ  
الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا يَكُونُ فِيهَا الْمَرْحُ ، وَعَلَامَةُ خُرُوجِ الْأَمْوَاتِ ، وَقِيَامُ السَّاعَةِ لِلْحِسَابِ  
وَالْجَزَاءِ (مفید، ۱۳۷۲ ش: ج ۲، ۳۸۷)؛

پس از دولت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برای هیچ‌کس دولتی نخواهد بود به جز روایتی که درباره جانشینی فرزندان ایشان وارد شده است. اگر خدا بخواهد و البته به صورت قطعی هم وارد نشده است و بیشتر روایات دلالت بر این دارند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا نمی‌رود؛ مگر بعد از چهل روز، هرج و مرج و نشانه‌های قیامت رخ خواهد داد.

علی بن یونس عاملی در این‌که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف چهل روز مانده به قیامت از دنیا می‌رود، می‌گوید:

قلت الرواية بالاثني عشر بعد الاثني عشر شاذة و مخالفة للروايات الصحيحة المتواترة الشهيرة بأنه ليس بعد القائم دولة وأنه لم يمض من الدنيا إلا أربعين يوماً فيها المرح و علامة خروج الأموات و قيام الساعة ... (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ ق: ج ۲، ۱۵۲)؛  
در بیشتر روایات صحیحه متواتره مشهوره است که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف چهل روز پیش از قیامت می‌میرد و در آن چهل روز هرج و مرج رخ می‌دهد و نشانه‌های قیامت پیدا می‌شود.

فتال نیشابوری در گزارشی می‌آورد؛ در این زمینه می‌نویسد:

وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ لَمْ يَمُضِ مَهْدَى الْأُمَّةِ إِلَّا قَبْلَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا يَكُونُ فِيهِ الْمَرْحُ وَ  
عَلَامَاتُ خُرُوجِ الْأَمْوَاتِ وَ قِيَامِ السَّاعَةِ لِلْحِسَابِ وَالْجَزَاءِ وَالْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ (فتال  
نیشابوری، ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ۲۶۶)؛

روایت شده است که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط چهل روز پیش از رستاخیز رحلت می‌کند و در می‌گذرد و در آن چهل روز آشفتگی است و نشانه برانگیخته شدن مردگان و برپا شدن قیامت برای دریافت پاداش و عقوبت است. در عین حال علم این امور در پیشگاه خداوند

است.

پس از ایشان نیز مرحوم کراچکی (کراچکی، کنز الفوائد، ص ۱۱۲)، طبرسی (طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۶۶)، ابن ابی الفتح اربلی (اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۶۴۷) و مرحوم خاتون آبادی (خاتون آبادی، کشف الحق، أو الأربعون، ص ۱۶۰) نیز همین دیدگاه را تأیید کرده‌اند.

### بررسی روایات مستند این نظریه در منابع شیعی

قَالَ الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ بْنِ خَلِيلٍ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ وَابْنُ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُبَشِّرُكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ بِالْمَهْدِيِّ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي سُلْطَانًا عَادِلًا وَإِمَامًا قَاسِطًا يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا، وَهُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ وَلَدِي الْحُسَيْنِ، اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَلَا وَلاَ خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ، وَلاَ يَكُونُ انْتِهَاءَ دَوْلَتِهِ إِلَّا قَبْلَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا (هلالی، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ۹۵۸).

شرح روایت: این روایت بیان‌گر آن است که چهل روز مانده به قیامت، دولت مهدی موعود علیه السلام به پایان می‌رسد و این بدان معنا نیست که پس از موت حضرت، قیامت رخ بدهد؛ به خاطر این که دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌تواند با حکومت سایر ائمه علیهم السلام استمرار داشته باشد و به حکومت آنها هم حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف اطلاق می‌شود؛ چرا که هدف آنها واحد می‌باشد. بنابراین از روایت فوق نمی‌توان برداشت کرد که چهل روز مانده به قیامت، امام از دنیا می‌رود.

سند روایت: این روایت در دسته روایت‌های مرسل قرار می‌گیرد؛ چرا که مابین مؤلف که در قرن یازدهم قمری زیست می‌کرده است و فضل بن شاذان چند قرن فاصله است و سلسله سند ذکر نشده است؛ در نتیجه از جهت دلالت و سند مخدوش و قابل تمسک نیست.

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسْلِمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... وَلاَ يَنْقَطِعُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَلاَ يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّةُ أَوْلَيْكَ شِرَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَهُمْ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ تَقْوَمُ الْقِيَامَةُ (ابن بابویه، ۱۳۵۹ش: ج ۱، ۲۲۹).

شرح روایت: شیخ صدوق روایتی را از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که زمین از حجت الهی خالی نمی‌ماند؛ مگر چهل روز قبل از قیامت، وقتی حجت از زمین برداشته شود، درب توبه بسته می‌شود و بعد از چهل روز قیامت رخ می‌دهد. در این روایت نیامده که بعد از رحلت حضرت مهدی علیه السلام قیامت رخ می‌دهد؛ بلکه امام می‌فرماید: حجت خداوند تا چهل روز مانده به قیامت وجود دارد و این با رجعت و حکومت ائمه علیهم السلام منافات ندارد؛ چون که آنها هم حجت خداوند روی زمین می‌باشند و چهل روز بعد از رحلت آخرین حجت الهی، قیامت به وقوع می‌پیوندد.

سند روایت: این روایت از جهت سند راویان حدیث تا عبدالله بن سلیمان العامری ثقه هستند. آیت‌الله خویی پیرامون عبدالله بن سلیمان می‌نویسد: ایشان چون در اسناد کامل - الزیارات قرار دارد، ثقه هستند (خویی، بی تا: ج ۱، ۲۰۲). لذا بر طبق مبنای آیت‌الله خویی، روایت فوق معتبر می‌باشد؛ لکن بر طبق سایر کتب رجالی، ایشان مجهول هستند، در نتیجه روایت مذکور از اعتبار کافی برخوردار نخواهد بود. بنابراین اگر مبنای آیت‌الله خویی هم پذیرفته شود، باز هم این روایت دلالت نمی‌کند که پس از رحلت مهدی موعود علیه السلام قیامت رخ می‌دهد.

جمع بندی نهایی روایات شیعه: پیرامون روایات مرتبط با وقوع قیامت پس از مهدی موعود علیه السلام، دو مطلب قابل ذکر است؛ اولاً روایات متعددی یافت می‌شود، اما تنها یک روایت و آن هم بر مبنای آیت‌الله خویی معتبر است و ثانیاً؛ در آن تصریح نشده که آخرین حجت الهی، حضرت قائم علیه السلام است و به فرض که منظور مهدی موعود علیه السلام باشد، در این صورت هم می‌توان احتمال داد که وفات بعد از رجعت مدنظر بوده است.

#### دیدگاه علماء و باورمندان اهل سنت پیرامون این نظریه

مسئله مهدویت و ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان مورد قبول علماء و باورمندان اهل - سنت می‌باشد و معتقدند که این امر مهم به وقوع می‌پیوندد و حضرت پس از آن تشکیل حکومت می‌دهد و سپس بعد از چند سال حکومت، از دنیا می‌رود.

پیرامون جهان بعد از مهدی موعود علیه السلام میان عالمان اهل سنت اختلاف است. برخی از آنها قائل به وقوع پیوستن قیامت می‌باشند که در این قسمت از مقاله پیش رو به آن‌ها خواهیم پرداخت.

درباره ارتباط ظهور و موت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه با قیامت، عالمان و باورمندان اهل سنت دو دسته تقسیم بندی گردیده اند که عبارتند از:

۱. برخی به بعد از حیات حضرت که قیامت رخ می دهد اشاره داشتند و معتقدند که بین موت ایشان و قیامت فاصله چندانی وجود ندارد؛
۲. گروهی دیگر معتقدند که ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه از جمله نشانه های بزرگ قیامت می باشد و درباره این که با مرگ حضرت قیامت رخ می دهد یا خیر؛ مطلبی را بیان نکرده اند، بلکه فقط به بیان این موضوع پرداخته اند که ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه یکی از نشانه های بزرگ قیامت است. مقدس شافعی در کتاب *عقد الدرر* می نویسد:

... وهی أدل دليل على انقضاء الأيام المهدية، سقى الله عهدها، ثم لاخير في عيش الحياة بعدها وليس بينها وبين النفخة الأولى مدة طويلة ولا نعمة طائلة (مقدس شافعی، ۱۴۲۸ق: ۳۱۹-۳۱۵)؛

... و آن بیان گر این است که ایام مهدیه به پایان رسیده و بعد از آن در زندگی خیری نیست و بین پایان یافتن ایام مهدیه و نفخه اولی فاصله زیادی نیست.

در کتاب *المهدی المنتظر*، سؤالی به این صورت مطرح شده است:

إذا كانت القيامة تقوم على المهدى وعيسى، ودين الإسلام حسب ما ذكرنا، فما معنى قوله صلى الله عليه وسلم: «الإسلام غريب، وكما بدأ يعود»؟ فأجاب: تواتر عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «بدأ الإسلام غريباً، وسيعود غريباً كما بدأ» وهو يشير إلى وقتنا هذا، فإن الإسلام فيه غريب بمعنى الكلمة، وسيظل كذلك بل ستزداد غربته إلى أن يأتي المهدى فيظهر الإسلام، ويجي العدل، وتزول الفتن والإحـن بين المسلمين، ويبقى الحال كذلك مدة المهدى، ومدة عيسى عجل الله تعالی فرجه، ثم بعد ذلك تأتي ریح طيبة تأخذ نفس كل مؤمن، فلا يبقى على الأرض من يعرف الله أو يذكره، وإنما يبقى أقوام يتهاجون كما تتهاجر الحمر، فعليهم تقوم الساعة... (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۱۳۰).

با این که قیامت بر مهدی عجل الله تعالی فرجه، عیسی عجل الله تعالی فرجه و دین اسلام واقع می شود؛ معنای کلام رسول خدا صلى الله عليه وسلم که فرموده «الإسلام غريب و كما بدأ يعود» چیست؟ مؤلف در پاسخ می نویسد:

روایت متواتر است و اشاره به زمان ما دارد و اسلام به معنای واقعی غریب است و به غربتش هم افزوده می شود تا این که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بیاید و اسلام را ظاهر سازد و از غربت خارج نماید و فتنه ها از بین می روند و وضعیت در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه و عیسی عجل الله تعالی فرجه

به همین منوال ادامه پیدا می‌کند تا این‌که نسیم پاکی می‌آید و جان هر انسان مؤمنی را می‌گیرد و کسی که خدا را بشناسد و از خدا یاد کند، باقی نمی‌ماند. عده‌ای انسان فاسد باقی می‌مانند تا این‌که قیامت به وقوع می‌پیوندد (حسنی ادیسی، ۱۴۲۷ق: ۱۰۶؛ ابن اسماعیل، ۱۴۱۱ق: ۱۸۲).

علماء و اندیشمندانی دیگر اهل سنت نیز پیرامون ظهور مهدی موعود علیه السلام به عنوان یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت یاد کرده‌اند که از ذکر تک‌تک آنها خودداری می‌نمائیم و خواننده را به منابع موجود ارجاع می‌دهیم (غفیلی، ۱۴۲۲ق: ۷۷؛ سفارینی الحنبلی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ۷۰؛ ابن عربی، بی‌تا: ج ۵، ۳۶۱؛ عجیری، بی‌تا «ب»: ۱۱۵؛ عجیری، بی‌تا «الف»: ۶۹۵؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۲۲۵، ح ۲۹۰۱).

### بررسی روایات مستند این نظریه در منابع اهل سنت

در مجامع حدیثی اهل سنت، احادیث فراوانی به موضوع آخرالزمان پرداخته شده است. قیامت یکی از اصول اعتقادی مورد اتفاق فریقین است که در انتها و پایان دنیا همه انسان‌ها با نفخ صور اول از دنیا خواهند رفت و سپس به جهت حسابرسی اعمال انجام شده در دنیا، با نفخ صور دوم زنده می‌گردند. این رویداد عظیم، به تصریح خداوند متعال، فاقد زمان از پیش اعلام شده است و کاملاً آنی و ناگهانی رخ می‌دهد و زمان وقوع آن، منحصر در ذات خداوند متعال می‌باشد؛<sup>۱</sup> لکن از نشانه‌های آن می‌توان به نزدیکی اش پی برد.

بر طبق روایات اهل سنت، یکی از نشانه‌های نزدیکی وقوع قیامت، ظهور مهدی موعود علیه السلام است که مدتی پس از ظهور، از دنیا می‌رود.

وعن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه، أن رسول الله صلى الله عليه وآله، قال: «يخرج في آخر أمتي المهدي، يسقيه الله الغيث، وتخرج الأرض نباتها، ويعطي المال صحاحا، وتكثر الماشية، وتكثف الأمم، يعيش سبعا أو ثمانيا» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۸۳، ح ۸۸۲۳؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: ۱۹۴).

شرح روایت: از ابوسعید خدری روایت شده است، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: در پایان عمر امتم، مهدی ظهور می‌کند، خدا به او باران فراوان و زمین حاصل خیز می‌بخشد. ثروت زیاد می-

۱. آیات فراوانی در قرآن کریم اشاره به وقوع ناگهانی قیامت و انحصار دانستن وقت آن به خداوند دارد (اعراف: ۱۸۷؛ یوسف: ۱۰۷ و ۱۲، حج: ۵۵ و ۲۲؛ انعام: ۳۱ و ۶؛ لقمان: ۳۱ و ۳۴؛ احزاب: ۳۳ و ۶۳؛ فصلت: ۴۱ و ۴۷؛ زخرف: ۴۳ و ۶۶).

شود. حیوانات اهلی افزایش می یابند و امت اسلامی بزرگ می گردد. او هفت یا هشت سال بعد از ظهور زندگی می کند.

بنابراین در این روایت، ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه با پایان امت قرین گردیده است که با اتمام حیات حضرت، وقوع قیامت نزدیک می شود.

سند روایت: حاکم نیشابوری در ذیل این حدیث می نویسد: «هذا الحديث صحيح الإسناد، و لم يخرجاه؛ این حدیث صحیح السند است، هرچند در صحیحین نیامده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۸۳، ح ۸۸۲۳).

حَدَّثَنَا مَسَدَّدٌ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ عَبِيدٍ حَدَّثَهُمْ وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ، ثنا أبو بكر - يعني ابن عياش - و حَدَّثَنَا مَسَدَّدٌ، ثنا يحيى، عن سفیان و حَدَّثَنَا أحمد بن ابراهيم، حَدَّثَنَا عبید الله بن موسى، أَخْبَرَنَا زائدة، وَحَدَّثَنَا أحمد بن ابراهيم، حَدَّثَنَا عبید الله بن موسى، عن فطر، المعنى كلهم عن عاصم، عن زَرِّ عن عبد الله، عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «لوم يبق من الدنيا إلا يوم لطول الله ذلك اليوم من أهل بيتي، يواطى اسمه اسمي، واسم أبيه اسم أبي (سجستانی، بی تا: ج ۴، ۱۷۵، ح ۴۲۸۴؛ عجیری، بی تا «الف»: ح ۴۲۸۲).

شرح روایت: عبدالله بن مسعود پیرامون ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل می کند که حضرت فرمودند: «اگر از عمر دنیا به جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن یک روز را طولانی می گرداند تا فردی از اهل بیتم که نامش همانند نام من است بر مردم حاکم شود». بدیهی است که تعبیر کنایی از این روایت، حتمیت ظهور امام مهدی عجل الله فرجه را می رساند و نسبت به رحلت آن امام همام در پایان دنیا ساکت است.

سند روایت: البانی این روایت را از جهت سندی صحیح می داند (البانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۴۱).

حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ بُقَيْرَةَ امْرَأَةَ الْقَعْقَاعِ بْنِ أَبِي حَدَرْدٍ تَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى الْمِنْبَرِ وَهُوَ يَقُولُ: إِذَا سَمِعْتُمْ بِحَيْشٍ قَدْ حُسِفَ بِهِ قَرِيبًا فَقَدْ أَظَلَّتِ السَّاعَةُ (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ۳۸۷).

شرح روایت: ابوحدرد می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله بالای منبر سخنرانی می کرد که شنیدم حضرت فرمودند: «هنگامی که شنیدی لشگری در زمینه فرو رفته در این هنگام قیامت نزدیک و سایه خودش را افکنده است».

یکی از نشانه های ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه «خسف بیداء» است:

يُعْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ فَإِذَا كَانُوا بِيَدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ يُحْسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَأَخْرِهِمْ (بخاری، ۱۴۲۲ق:



ج ۳، ۶۵، ح ۲۱۱۸.

بدین معنا که سفیانی لشگری را برای مبارزه با مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکه روانه می‌دارد و وقتی آنها به سرزمین بیداء می‌رسند، به اذن خداوند متعال در زمین فرو می‌روند. البته از طرفی بر طبق این روایت، فرورفتن لشکر در زمین، دلیلی بر نزدیکی قیامت است و نیز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از قیامت خواهد بود. در نتیجه می‌توان بیان داشت که ظهور دوازدهمین امام، قرین و نزدیک به قیامت رخ خواهد داد. سند روایت: البانی می‌نویسد: «قلت: و هذا إسناد حسن رجاله ثقات رجال الشيخين غير بن إسحاق و هو حسن الحديث» (البانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۳۴۰). بدین معنا که اسناد حدیث حسن هستند.

عن عبدالله بن حوالة، قال: بعثنا رسول الله صلى الله عليه وآله لنغتم على أقدامنا، فرجعنا فلم نغتم شيئا و عرف الجهد في وجوهنا فقام فينا فقال: «اللهم لا تكلمهم إلى فأضعف عنهم و لا تكلمهم إلى أنفسهم فيعجزوا عنها و لا تكلمهم إلى الناس فيستأثروا عليهم» ثم وضع يده على رأسي، ثم قال: «يا ابن حوالة! إذا رأيت الخلافة قد نزلت الأرض المقدسة، فقد دنت الزلازل والبلابل والأمور العظام والساعة يومئذ أقرب من الناس من يدي هذه إلى رأسك» (حاكم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۴۷۱).

شرح روایت: ابن حوالة می‌گوید: «رسول خدا صلى الله عليه وآله دستش را بر سر من گذاشت، سپس فرمود: یابن حوالة! هنگامی که دیدی خلافت در سرزمین مقدس نازل شد در این هنگام قیامت به مردم، از دست من به سر شما نزدیک تر است».

درباره نقطه آغازین ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیوستن یاران خاص به او و نیز بیعت مردم با آن حضرت، حدیث‌های متعددی ذکر شده و نقطه اشتراک همه این روایت‌های اسلامی در این است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهورش از مکه آغاز خواهد شد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۳، ح ۱۱۷۴؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: باب ۲، ۵۶) و تا حد زیادی نیز، اتفاق نظر وجود دارد و از کنار کعبه این حرکت بزرگ آغاز می‌گردد.

همان‌طور که ملاحظه شد، در روایت ابن حوالة آمده است که وقتی خلافت در سرزمین مقدس (مکه) به وقوع پیوست، بدان که قیامت از دست من به سر شما نزدیک تر است؛ و این مطلب کنایه از این است که قیامت بسیار نزدیک است و از روایت مذکور چنین برداشت می‌شود که پایان عمر حضرت موعود مقرون با قیامت می‌باشد.

سند روایت: در ذیل این روایت در کتاب *المستدرک* آمده است: «صحيح الإسناد و لم یخرجاه» (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق: باب ۲، ۵۶). در نتیجه می‌توان به قرین بودن پایان حکومت مهدی موعود علیه السلام با قیامت تمسک کرد.

جمع‌بندی نهایی روایات اهل سنت: با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به این نتیجه که در روایات اهل سنت، ظهور حضرت منجی به عنوان یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت دانسته شده است.

حال باتوجه به این که برخی از نشانه‌های قیامت همانند خروج دجال و عیسی بن مریم علیه السلام در زمان امام زمان علیه السلام رخ می‌دهد؛ می‌توان گفت با پایان یافتن عمر مهدی موعود علیه السلام فاصله چندانی تا قیامت باقی نمی‌ماند.

#### ارزیابی و مقایسه دیدگاه شیعه و اهل سنت

همان‌طور که گذشت، شیعه و اهل سنت معتقدند که در آخرالزمان مردی از نسل رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد که به دنبال آن، آثار و برکات فراوانی پیدا می‌شود و پس از مدتی از دنیا می‌رود؛ لکن نسبت به این که پس وفات آن حضرت، وضعیت جهان به چه منوال خواهد بود، دیدگاه‌های مختلفی میان این دو گروه مطرح است که در این قسمت از مقاله پیش‌رو به ارزیابی و مقایسه آنها خواهیم پرداخت.

#### ۱. اختلافات شیعه و اهل سنت

جماعت شیعه و اهل سنت در موضوع پس از حیات مهدی موعود علیه السلام در مسئله مهم «رجعت» دارای اختلاف نظر می‌باشند.

شیعه قائل است یک عده از انسان‌ها که از دنیا رفته‌اند در آخرالزمان و قبل از قیامت زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند؛ که از جمله آنها اهل بیت علیهم السلام هستند که برای یاری حضرت حجت علیه السلام به دنیا رجعت می‌نمایند و پس از وفات آن حضرت، به حکومت می‌رسند.<sup>۱</sup> در سوی مقابل، اهل سنت نه تنها اعتقادی به رجعت ندارند، بلکه در مقابل کسانی که اعتقاد به رجعت دارند به موضع‌گیری می‌پردازند. نیشابوری در مقدمه‌ای در کتاب *صحيح مسلم* چنین می‌نویسد:

۱. به جزئیات این مسئله در منابع پرداخته نشده است.

حَدَّثَنَا أَبُو غَسْلَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الرَّازِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرًا يَقُولُ لَقِيتُ جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ الْجَعْفِيَّ فَلَمْ أَكْتُبْ عَنْهُ كَمَا يَزُومُن بِالرَّجْعَةِ وَحَدَّثَنِي سَلْمَةُ بْنُ شَيْبَةَ حَدَّثَنَا الْحَمِيدِيُّ حَدَّثَنَا سَفِيَّانٌ قَالَ كَانَ النَّاسُ يَحْلُمُونَ عَنْ جَابِرٍ (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ۲۰).

در این مقدمه تصریح می شود که احادیث جابر بن یزید جعفی به دلیل اعتقاد به رجعت از دور خارج می شود.

جراح نیز نقل می کند:

سَمِعْتُ جَابِرًا يَقُولُ عِنْدِي سَبْعُونَ أَلْفَ حَدِيثٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ النَّبِيِّ كَلِمَاتٍ (همان: ج ۱، ۱۴-۱۳).

محتوای این روایت در بردارنده این نکته است که جراح نقل می کند که از جابر شنیده است که می گفت نزد من هفتاد هزار حدیث از امام باقر علیه السلام است که آن هم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است؛ لکن ایشان را به خاطر اعتقاد به رجعت، کنار گذاشته اند.

علامه طباطبایی نیز جایگاه رجعت در منظومه فکری اهل سنت را این گونه بیان کرده است:

غیر الشیعة و هم عامة المسلمین و إن أذعنوا بظهور المهدي عليه السلام و روه بطریق متواتر عن النبي صلی الله علیه و آله، لكنهم أنكروا الرجعة و عدوا القول بها من مختصات الشيعة (طباطبایی، ۱۳۶۵ ق: ج ۱۵، ۵۵۸)؛

غیر شیعه، اهل تسنن، اگرچه به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اعتراف و آن را به طور متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند؛ لکن رجعت را انکار کرده و قول به آن را از ویژگی های شیعه بر شمرده اند.

اما در مقابل جماعت اهل سنت، شیعه در طول تاریخ رجعت را از مسلمات دانسته است و علماء دین روایات پیرامون این مسئله را متظافر<sup>۱</sup> و یا متواتر<sup>۲</sup> و حتی گاهی این اعتقاد را به عنوان ضروریات مذهب طرح کرده اند. شیخ مفید در این باره می نویسد:

امامیه بر این أمر اتفاق دارند که عده کثیری از مردگان پیش از روز قیامت به دنیا باز می-

۱. حدیث متظافر، از اصطلاحات به کار رفته در علم حدیث بوده و به خبری که رتبه آن از خبر صحیح بالاتر و بنفسه مفید علم عادی یا عقلی باشد، گفته می شود (پایگاه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی، برگرفته از مقاله حدیث متظافر).

۲. حدیث متواتر، حدیثی است که در سلسله سند آن همه راویان تا شخص معصوم در هر طبقه به تعدادی باشد که امکان توافق عمدی آنها بر نسبت دادن دروغ به معصوم به طور عادی محال باشد و خبر آنها موجب علم و یقین گردد (حریری، فرهنگ اصطلاحات حدیث، ص ۱۲۹).

گردند، هرچند میان آنان در معنی رجعت اختلاف است (مفید، بی تا: ۴۶).

هم چنین مرحوم عبدالله شبر از جمله کسانی که قائل به ضروری بودن رجعت است، می آورد:

رجعت از اجماعات شیعه است و بلکه از جمله ضروریات مذهب حقه شیعه هست (شُبر، بی تا: ۲۹۷).

ناگفته نماند که برخی از متکلمین شیعه قائل بر این مطلب هستند که رجعت حق است و نسبت به اجماعی یا ضروری بودن آن مطلبی بیان نکرده اند. مرحوم شیخ صدوق در این باره می گوید:

اعتقاد ما در باب رجعت این است که برگشتن به دنیا حق است که حق تعالی؛ در قرآن کریم فرموده است: «آیا ندیده‌ای به سوی آن قوم که بیرون رفتند از دیارشان و آن‌ها چندین هزار می بودند از ترس مرگ، پس خداوند به آن‌ها فرمود که بمیرید، باز زنده شان نمود...» (بقره: ۲۴۴) پس به صحت پیوست که رجعت در امت‌های گذشته بوده است و پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: وقوع می یابد در این امت مثل آن چه در امم گذشته می بوده است (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۷۶-۷۳).

با توجه به آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که رجعت از جمله معتقدات خاصه شیعیان است و در این باره روایات متواتری از معصومین علیهم السلام وارد شده است و درباره جزئیات آن نمی توان نظر قطعی داد؛ ولی نسبت به رجعت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام روایات متعددی وجود دارد و اهل سنت علاوه بر این که اعتقادی به این آموزه ندارند، شیعیان را به خاطر چنین اعتقادی مذمت می نمایند.

## ۲. اشتراکات شیعه و اهل سنت

از آنچه در این مقاله گذشت، با توجه به برخی از احادیث و دیدگاه‌های مذکور، می توان گفت که جماعت شیعه و اهل سنت، از جهاتی در باب موضوع ارتباط رحلت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیامت با یکدیگر اشتراک دارند که اینک در مقاله پیش رو به بررسی آن خواهیم پرداخت. عقیده مسلمانان در طول دوران بر این است که ظهور شخصی از اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان و قبل از قیامت، ضروری و قطعی است و با آمدنش موجب تقویت و تأیید دین می گردد. هم چنین ظهور ایشان مقدمه‌ای برای وقوع قیامت است و تا زمانی ظهور صورت نگیرد، قیامت واقع نخواهد شد.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدونا ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۶۰۰، ح ۸۶۶۹)؛  
قیامت برپا نمی شود تا این که زمین پر از ظلم و جور و دشمنی شود و سپس از اهل بیت من، شخصی ظهور می کند که زمین را پر از عدل و قسط می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

روایتی با همین مضمون از حضرت امیر علیه السلام نیز وارد شده است که حضرت فرمودند:

لوم بيق من الدهر الا يوم لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملؤها عدلاً كما ملئت جوراً (اریلی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۹۷۵)؛  
اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، خدا حتماً مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزد تا زمین را از عدل پُر کند، هم چنان که از ستم پر شده باشد.

در منابع شیعه، روایاتی مبنی بر این که چهل روز پس از وفات مهدی موعود علیه السلام قیامت رخ می دهد، وجود داشت که از جهت سندی ضعیف بودند و در برخی از احادیث آمده بود که پس از آخرین حجت الهی، قیامت واقع می شود که به این روایات در ابتدای مقاله پیش رو به آنها پرداختیم.

در منابع روایی اهل سنت نیز روایتی وجود نداشت که بیان کند پس از پایان یافتن عمر مهدی موعود علیه السلام قیامت برپا می شود.

بنابراین وجه اشتراک روایت های شیعه و اهل سنت را می توان به نحو زیر ساماندهی کرد:  
- رابطه ای بین ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف و برپایی قیامت وجود دارد که ظهور مقدمه ی قیامت است؛

- یکی دیگر از نقاط مشترک روایات اهل سنت و شیعه، احادیث هرج و مرج است؛ با این تفاوت که در منابع شیعی، سند این نوع روایات ضعیف و قابل استناد نیستند، لکن برخی از آنها در منابع اهل سنت از اعتبار سندی خوبی برخوردارند و قابل تمسک نیز می باشند.

اشکالات وارد بر این نظریه (رحلت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و قیامت) در نگاه نگارندگان این مقاله

### اشکال اول

این دیدگاه با مسئله رجعت که از مسلمات شیعه دانسته شده است، منافات دارد. لذا از آن -

جا که اعتقاد به رجعت در میان شیعه، مسئله‌ای بدیهی است، نمی‌توان این دیدگاه را که در تقابل با آن قرار می‌گیرد، پذیرفت.

### پاسخ اشکال اول

مسئله رجعت در سه حوزه قابل طرح است که باید این سه حوزه از یکدیگر تفکیک شوند: حوزه نخست، اصل مسئله رجعت است صرف نظر از این که رجعت‌کنندگان مشخصاً چه کسانی هستند و برای چه هدفی رجعت می‌نمایند. این جنبه از مسئله رجعت با روایات متواتر قابل اثبات است. از این رو همواره مورد اجماع علمای شیعه بوده و قابل انکار نیست. حوزه دوم، رجعت ائمه علیهم‌السلام یا لاقل برخی از ایشان، در زمره رجعت‌کنندگان است. صرف نظر از این که به چه هدفی رجعت می‌نمایند. این جنبه از مسئله رجعت نیز اگرچه با روایات متعددی تأیید می‌شود؛ لکن مورد اجماع علمای شیعه نیست. حوزه سوم، رجعت ائمه علیهم‌السلام یا لاقل بخشی از ایشان، به هدف حکومت پس از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌و‌فرجه‌الشریفات است. این حوزه از سخن نیز اگر چه شواهدی از روایت دارد؛ اما نه تنها مورد اجماع نیست؛ بلکه می‌دانیم و قابل اثبات است که لاقل تا قرن نوزدهم، حتی دیدگاهی مشهور هم نبوده است.

بنابراین تنها حوزه‌ای که در بحث رجعت، اجماعی است، حوزه نخست؛ یعنی اصل مسئله رجعت می‌باشد. صرف نظر از این که چه اشخاصی و به چه هدفی رجعت می‌نمایند و از آن جا که دیدگاه حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌فرجه‌الشریفات تا قیامت، تنها با حوزه سوم از بحث رجعت منافات دارد، پس روشن می‌شود که این دیدگاه با هیچ دیدگاه اجماعی در میان علمای شیعه تنافی ندارد.

### اشکال دوم

در بیان هواداران دیدگاه حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌فرجه‌الشریفات تا قیامت، ادعا شده که بیشتر روایات دلالت بر وفات مهدی موعود علیه‌السلام در چهل روز پیش از قیامت دارد (مفید، ۱۳۷۲: ج ۲، ۳۸۷) و نظر خود را مستند به این روایات دانسته‌اند و حال این که حقیقت این گونه نیست و روایات رجعت از نظر کثرت، قابل مقایسه با دیگر روایات نیست.

### پاسخ اشکال دوم

می‌دانیم روایات رجعت سه دسته هستند که تنها دسته سوم بر رجعت ائمه علیهم‌السلام برای حکومت دلالت دارند و این دسته از روایات بخش کمتری را شامل می‌شوند. به همین دلیل اگر

بخواهیم روایاتی که سرنوشت جهان را ترسیم می‌کنند با هم مقایسه نماییم؛ نمی‌توان روایات بیانگر حکومت ائمه علیهم السلام پس از رجعت را بیشتر از روایات دیدگاه‌های دیگر دانست. نکته دوم این‌که قرائن متعددی وجود دارد مبنی بر این‌که بیشتر روایات و منابع و آثار مربوط به رجعت به دست ما نرسیده است. برخی از علما نیز به توضیح این نکته تصریح نموده‌اند؛ چنان‌چه محمدتقی مجلسی در این باره می‌گوید:

و علمای قدمای شیعه هر يك در رجعت كتابی تصنيف کرده‌اند و شیخ طوسی و شیخ نجاشی هر دو در فهرست کتب علماء شیعه در ضمن ذکر کتب ایشان ذکر کرده‌اند که له کتاب فی الرجعة و از آن کتب چیزی نمانده است که زیاده از صد هزار کتاب بوده است (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ج ۶، ۲۱۵).

بنابراین بیشتر روایات در این زمینه به دست ما نرسیده و از میان رفته است. این در حالی است روایاتی که به دست ما نرسیده است؛ در مرثا و منظر قدمای شیعه بوده و قطعاً بررسی آنان و حکم‌شان به کثرت روایات حکومت حضرت مهدی علیه السلام تا چل روز پیش از قیامت، از بررسی و حکم ما پس از گذشت بیش از هزار سال و از دست رفتن بیشتر روایات در این زمینه، به واقعیت نزدیک‌تر است.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش پیرامون سرنوشت جهان پس از مهدی موعود علیه السلام مطالبی ارائه شد. نظریه طولانی شدن حکومت حضرت موعود و اتصال آن به قیامت، طرفدارانی را در میان شیعه و اهل سنت دارد. دیدگاه تداوم حکومت امام زمان علیه السلام تا چهل روز پیش از قیامت از قوت و استحکام بیشتری (هم از نظر ادله و هم از نظر باورمندان به آن) برخوردار است.

از نظر ادله، به دلیل این‌که به شهادت کسانی که اشراف بیشتری به روایات مورد نظر داشته‌اند و بسیاری از روایاتی که به دست ما نرسیده است در اختیار آنان بوده، بیشتر روایات، برزنده بودن و حکومت حضرت مهدی علیه السلام تا چهل روز پیش از قیامت دلالت داشته‌اند؛ لکن از نظر باورمندان مشخص شد که دست‌کم تا قرن دوازدهم، دیدگاه مشهور در میان دانشمندان شیعه، همین دیدگاه طولانی شدن حکومت و اتصال به قیامت بوده است. حتی به ندرت می‌توان در میان عالمان صاحب‌نظر در این حوزه، کسی را یافت که صریحاً قائل به این باشد. برخی از صاحب‌نظران معاصر حوزه مهدویت (مانند آیت‌الله شیخ نجم‌الدین طوسی)

دیدگاه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا چهل روز پیش از قیامت را محتمل ترین دیدگاه در این زمینه دانسته اند.<sup>۱</sup> بنابراین به نظر می رسد که این دیدگاه از قوت بیشتری برخوردار بوده و قابل دفاع می باشد.

### منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن اسماعیل، محمد (۱۴۱۱ق)، *المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقه... لاخرافه*، بیروت: انتشارات مكتبة التربية الاسلامية.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹ش)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامية.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *إعتقادات الإمامية*، قم: کنگره شیخ مفید.
۴. ابن حنبل، أحمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، *مسند*، بی جا: انتشارات مؤسسة الرسالة.
۵. ابن عربی، محی الدین (بی تا)، *فتوحات مکيه، قاهره: بی نا*.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، قم: انتشارات الشریف الرضی.
۷. البانی، محمد ناصر الدین (۱۴۱۵ق)، *سلسلة الأحادیث الصحيحة وشیء من فقہها و فوائدھا*، ریاض: انتشارات المكتبة المعارف للنشر و التوزیع.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، *صحیح بخاری*، بی جا: انتشارات دارطوق النجاة.
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمية.
۱۰. حریری، محمد یوسف (۱۳۸۱ش)، *فهرنگ اصطلاحات حدیث*، تهران: هجرت.
۱۱. حسنی ادربیسی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۷ق)، *المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف*، بیروت: انتشارات عالم الکتب.
۱۲. خاتون آبادی، محمد صادق بن محمد رضا (۱۴۲۶ق)، *کشف الحق أو الأربعون*، نجف: انتشارات مرکز الدراسات التخصصية فی الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. خویی، ابوالقاسم (بی تا)، *معجم رجال الحدیث*، بی جا: بی نا.

۱. رک: طبسی، درس خارج مهدویت، حوزه علمیه قم.



١٤. سجستاني، أبوداود سليمان بن الأشعث (بي تا)، سنن أبي داود، بيروت: انتشارات دارالكتاب العربي.
١٥. سفاريني الحنبلي، شمس الدين (١٤٠٢ق)، لوامع الأنوار البهية و سواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضية في عقد الفرقة المرضية، دمشق: انتشارات مؤسسة الخافقين و مكتبتها.
١٦. شُبْر، سيدعبدالله (بي تا)، حق اليقين في معرفة أصول الدين، بي جا: انتشارات أنوار الهدى.
١٧. طباطبائي، محمدحسين (١٣٦٥ش)، الميزان في تفسير القرآن، بي جا: انتشارات مكتبة النشر الاسلامي.
١٨. طبرسي، فضل بن حسن (١٣٧٦ش)، اعلام الوري باعلام الهدى، قم: انتشارات مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٩. طبسي، نجم الدين (١٣٩١ش)، درس خارج مهدويت، وضعيت جهان پس از امام مهدي عليه السلام، قم: مركز تخصصي مهدويت.
٢٠. عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس (١٣٨٤ق)، الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم، نجف: المكتبة الحيدرية.
٢١. عجيري، عبدالله بن صالح (بي تا «الف»)، كتاب المهدي وفقه أشراف الساعة، بي جا: بي نا.
٢٢. عجيري، عبدالله بن صالح (بي تا «ب»)، معالم و منارات في تنزيل أحاديث الفتن و الملاحم و أشراف الساعة على الوقائع و الحوادث، بي جا: بي نا.
٢٣. غفيلي، عبدالله بن سليمان (١٤٢٢ق)، أشراف الساعة، عربستان: انتشارات وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد.
٢٤. فتال نيشابوري، محمد بن أحمد (١٣٧٥ش)، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم: انتشارات رضی.
٢٥. قشيري نيشابوري، مسلم بن حجاج (١٤١٢ق)، صحيح مسلم، قاهره: دارالحديث.
٢٦. كراچكي، محمد بن علي (١٤١٠ق)، كنز الفوائد، قم: انتشارات دارالذخائر.
٢٧. گنجی، محمد بن يوسف (١٣٦٢ش)، البيان في أخبار صاحب الزمان عليه السلام، تهران: دار إحياء تراث أهل بيت عليه السلام.
٢٨. مجلسی، محمدتقی (١٤١٤ق)، لوامع صاحبقراني، قم: اسما عيليان.
٢٩. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٣٧٢ش)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: انتشارات دارالمفيد.

۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی تا)، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، بی جا: انتشارات الموتر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۳۱. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، *عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام*، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۳۲. نعمانی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *کتاب الغیبه*، تهران: انتشارات صدوق.
۳۳. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۲۳ق)، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، قم: دلیل ما.

